

تأثیر موسیقی در تعلیم و تربیت

اقتباس از مجلات خارجه

با مراجعهٔ بتاریخ معلوم میشود که یونانیها، موسیقی را در تربیت بشر بسیار مؤثر میدانسته اند چنانکه افلاطون اثرات آنرا در روح انسان بیان کرده است. عامای مشرق زمین و ایران نیز راجع باینر موسیقی در معالجه امراض بسی چیزها نوشته اند امروزه نیز متخصصین روان شناسی پس از تجربات زیاد بیشتر بحقیقت این مسئله پی برده موسیقی را یکی از طرق معالجه امراض روحی میدانند.

شك نیست که استعدادها مختلف است و درجهٔ هوش اشخاص کم و بیش تفاوت میکنند. گرچه نمی توان بشری را کاملاً فاقد هوش دانست ولی بعضی اطفال هم درجهٔ ذکاوتشان بی نهایت کم است و اینگونه اطفال اغلب در دبستانها مورد توجه آموزگاران واقع نشده بعد از چندین سال هم موفق بادامهٔ تحصیل نگشته و عاقبت ترك تحصیل می کنند. اطباء و موسیقی دانهایی که در طرز پیشرفت امور تربیتی کار می کنند بالاخره توانسته اند حالات روحی این گونه اطفال را تغییر داده آنها را مهبای فهمیدن و فرا گرفتن مطالبی که سابقاً بفهم آنها قادر نبوده اند بنمایند بنابراین معتقدند که جذبۀ اصوات لطیف و هم آهنگ موسیقی تمایل و دقت اطفال را جلب کرده کارخانهٔ هوش و ذکاوت و عقل آنها را که در اثر بعضی علل جسمی و روحی از کار افتاده بجریان طبیعی میاندازد. چه بسا اتفاق افتاده که باتمام وسائل موجودهٔ تعلیم و تربیت نتوانسته اند دقت اطفال بی ذکاوت و بی استعداد را جلب کنند و بالاخره دست بدامان موسیقی زده باصرف دقت و بردباری همان اطفال را نخست بگوش دادن و سپس بنواختن یکی از آلات موسیقی ترغیب کرده اند و بتدریج نواقص روحی آنها مرتفع گشته است بطوریکه علاوه بر آشنائی بموسیقی در دروس دورهٔ ابتدائی هم موفق شده و شاید از شاگردان خوب بشمار رفته اند.

دکتر «روبنویچ» معالجهٔ امراض روحی یکی از موسسات مهم فرانسه

که از معتقدین این مطلب است درین باب تجربیاتی کرده که در همه آنها به نتیجه مطلوب رسیده است. ویرا عقیده برین است که تنها گوش دادن باصوات موسیقی کافی نیست و باید طوری تمایل اطفال را جذب کرد که بنواختن سازی هم رغبت حاصل کنند و بس از اندک مدتی که بساز آشنا شدند نتیجه منظور گرفته میشود مخصوصا معتقد است که اگر باصوات موسیقی اطفال را بحركات اندامی (Danse Rythmique) نیز وادار کنند حس آشنائی بوزن و بتدریج دقت در امتداد اصوات موسیقی هوش آنها را بخوبی بیدار میکند. اینک چند مثال از تجربیات وی بیان میشود:

۱ - سه سال قبل در یکی از مشاورات طبی صحبت از دختر پانزده ساله‌ای بود که در مدت پنج سال تحصیل در مدرسه موفق بخواندن و نوشتن هم نشده بود. وقتی او را ملاقات کردم هنوز نمی توانست وقت را از روی ساعت تشخیص بدهد. اعضای بدن او خیلی سست و انگشتان او بطوری بیکاره و قاج بود که بدست گرفتن سوزن قادر نبود و از هر هنر زنانه از قبیل خیاطی و کارهای دستی دیگر عاری بود، هر چه باو گفته میشد پس از چند لحظه بکلی فراموش میکرد. او را یکی از هنرآموزان موسیقی سپردم. با بردباری و زحمات معلمش به پیانو و حرکات اندامی آشنا شد. اوزان مختلف موسیقی را پس از مدتی تشخیص داد و اکنون قطعات کوچکی از موسیقی های بتوون و شوپن و شوبر^۱ را از حفظ روی پیانو مینوازد، در اثر آشنائی با موسیقی درجه ذکاوت و هوش او نیز بالا رفته معلمین مدرسه نیز از او راضی شده اند چه خواندن و نوشتن را بخوبی آموخته مطالب را بهتر و زودتر میفهمد و حافظه او قوی تر شده مطالب را از یاد نمیرد و در اثر ورزش انگشتها روی پیانو خیاطی و قلاب دوزی و حتی ماشین تحریر را نیز فرا گرفته است.

۲ - دختر دوازده ساله ای نمی توانست حتی عدد دوسه را بایکدیگر جمع کند و در جواب سئوالانی راجع بمسائل بدیهی بکلی وامانده بود. در اثر ضعف قوه عاقله حس شناختن وزن را نیز نداشت. پس از تمرینات مخصوصی روی

پیانو و ورزشها و حرکات اندامی در اندک مدتی توانست اعمال اصایه حساب را تا عدد صد بجا آورد. موسیقی بکلی هوش او را بالا برد چنانکه اکنون در مسائل عادی حیات قضاوت میکند و جوابهای منطقی بسؤالانی که از او میشود میدهد. مخصوصاً از اینکه میتواند چند قطعه موسیقی را از حفظ روی پیانو بنوازد حس غرور و ذوق خاصی در او ایجاد شده. حتی در نواختن قطعات موسیقی حالات روحی او تغییر کرده کاملاً تحت تأثیر نعمات موسیقی واقع میشود و اصوات موسیقی را با احساسات خود توأم کرده حالات مخصوصی ایجاد میکند.

۳ - بسری که سنش میان نه و ده بود دچار ضعف کامل قوای فکری و یکقسم فلج عضلانی بود بطوریکه در مدت سه چهار سال دوره تحصیلی خود موجبات رنج و زحمت معامین را فراهم کرده از چندین مدرسه هم بعلت بی استعدادی و عدم دقت خارج شده بود. دکتر مزبور بالاخره نظر او را بموسیقی جلب کرد.

در اوائل امر طاقت نشستن چند دقیقه را جلوی پیانو نداشت و هر چند نایه یکمرتبه از جابر خاسته از اطاق کار خود بیرون میرفت ولی عاقبت صبر و بردباری هنر آموزش دقت و حوصله او را بموسیقی جلب کرد بطوریکه پس از سه ماه حتی می توانست تا یکربع ساعت تنها با یکدست (دست راست) روی پیانو تمرین کند و احتیاجی برفع خستگی و برخاستن از جا نداشت. پس از ششماه که بدیدن او رفتیم دیدیم با کمال آرامی جلوی پیانو نشسته و با هر دو دست یک قطعه موسیقی رامینواخت و طفل دیگری هم ویلن میزد و مخصوصاً طفل پیانو زن دقت میکرد که با ویلن زن موافقت کرده و آهنگ موسیقی خود را با او وفق دهد.

۴ - طفل هشت ساله دیگری از حیث فکر از بچه سه ساله هم ضعیف تر بود این طفل صورتی گرد و چشمانی که (مانند مغولها) و انگشتهائی بی نهایت نرم در حقیقت مانند گوشت بی روح داشت (دکتر مزبور انگشتهای او را بچربی خوک در حال آب شدن تشبیه کرده). این طفل که گرفتار مرض روحی و ضعف اعصاب و کمی هم فلج عضوی بود در مریضخانه بسر میبرد. موقعیکه پرستار او را گ کوچک دستی خود را می نواخت انگشتان سست و فلج طفل برای گرفتن آن بی اختیار دراز

میشود و از شنیدن نغمات موسیقی چشمانش بزرگتر شده با کمال تعجب بنوازنده مینگریست. بتدریج همین پرستار او را بموسیقی آشنا کرد بدین ترتیب که انگشت های طفل را روی انگشتهای خود میگذاشت و خود بنواختن مشغول میشد و طبعاً پس از اندک مدتی انگشتهای طفل هم براه افتاد و بدون ارادهٔ طفل بانگشت های پرستار بحرکت میآمد. یکسال بدین ترتیب گذشت و حالت فلج انگشتهای طفل رفع شد و سال بعد خود بنواختن ارگ کوچک دستی شروع کرد.

باری بطوریکه معلمین متخصص اظهار میدارند اطفالیکه در موسیقی تمرین میکنند در سایر دروس هم بهتر پیشرفت میکنند و دروس دیگر را از قبیل قرائت و انشاء و حساب و کارهای یدی خوبتر فرا میگیرند.

حال باید دید علت چیست و چگونه موسیقی حس و میل و دقت و هوش را پرورش میدهد. در حقیقت میتوان گفت که چون موسیقی حس سامعه را پرورش میدهد و تربیت این حس در پرورش قوای عاقله دخالت تام دارد ازین سبب اصوات موسیقی وسیلهٔ تربیت عقل میشود، از طرف دیگر حس سامعه از حواس دیگر عالیتر و رابطه اش با فکر بیشتر است و بهمین جهت اشخاصیکه فاقد این حس هستند بسیار بی هوش و کند ذهن میباشند. ازینرو طفل که آواز میخواند یا ساز میزند یا باحرکات اندامی و اوزان موسیقی آشنا میشود نه تنها ازین صنایع لذت میبرد بلکه اصوات موسیقی در او تأثیر میکند و سبب پرورش قوای روحی و بیدار کردن احساسات خاموش او میشود. در حقیقت روح طفل تحت تأثیر اصوات موسیقی درمیآید و دقت او برای تشخیص آنها جلب میگردد و حس تمیز و تشخیص در او تولید میشود و شك نیست که تمام اینها بقانون معرفت النفس در پرورش قوای روحی او دخالت دارد.

کار تعلیم و تربیت نمو دادن و پروراندن قوای فکری و ایجاد نظم و ترتیب در سلول های دماغی شاگردان است و موسیقی هم چون از عهدهٔ این کار بخوبی برمیآید در تعلیم و تربیت کمک بزرگ است و علت آشنا کردن اطفال بموسیقی جز این نبوده است.